



بررسی عملکرد یک قاضی در دادسرای انتظامی قضات

بخشی از میزگرد گروه حقوقی روزنامه «جوان» به حاشیه در مورد عملکرد قضات کشیده شد. ما اعتقاد داشتیم که یک نوع تعارض منافع در نهاد قضایی به جهت عملکرد قضات حکمفرماست و ناظر و مجری در اصل یکی هستند، همین باعث می‌شود که نظارت چندانی بر کار قضات صورت نگیرد. این در حالی است که هر سه مهمان ما اعتقاد داشتند دادسرای انتظامی قضات یکی از فیلترهای ریزبین و قابل توجه در رصد عملکرد قضات است که چه بسا بسیاری از کشیده شدن بای خود به این نهاد واهمه هم داشته باشند. کرمی اعتقاد داشت پاک‌دست‌ترین افراد در دستگاه قضایی حضور دارند و حتی در قیاس با سایر قشرها مثل وکالت، نهاد قضایی جایگاه مناسب‌تری دارد. تفرشی در همین زمینه ضمن موافقت با اصل موضوع اهمیت تخلفات قضات، تصریح کرد: عملکرد نادرست، بداست و از شخصی که در جایگاه مهم باشد، بدتر است. گاهی یک بازداشت نادرست، با آبروی افراد در ارتباط است و برخی اشتباهات جبران‌ناپذیر است، هر چند باید گفت اتفاقاً شدیدترین برخوردها با قضات صورت می‌گیرد و بیشترین ترس قضات از دستگاه نظارتی خودشان است. حسین پور تأکید کرد قضات فاسد عده‌ای بسیار انگشت‌شمار هستند اما نهاد قضایی به دلیل تمرکز نگاه مردم قابلیت پررنگ تر شدن تخلفاتش را دارد و این در حالی است که در سایر نهادها تخلفات بیشتری صورت می‌گیرد.



نیاز به آموزش دارند تا از موارد جایگزین حبس استفاده کنند، به صورت پیشنهاد می‌توان گفت باید شش‌رابطی فراهم کرد تا قاضی شرایط زندانی را بیشتر درک کند. شاید اگر قضات بدانند حبس چه تبعاتی دارد، از نهاد جایگزین حبس بیشتر استفاده کنند.

حسین پور: من مخالفم! اختیارات قضات باید طبقه‌بندی شود و اعطای اختیار کامل به قضات جز فساد نتیجه‌ای ندارد. در پاسخ به موضوع مطرح شده از سوی آقای تفرشی هم باید بگوییم، ما جدی‌ترین نسل قضات هستیم و چه چیز را باید آموزش ببینیم؟! صرف آموزش کافی نیست.

پور: با همه این تفصیلات برای کاهش جمعیت کیفری چه اقدام مشخصی می‌توان انجام داد؟

کرمی: برای بررسی جرایم کیفری باید چند عامل را مورد اشاره قرار داد. ابتدا، تورم قوانین کیفری موجود در ایران است که ما با ۱۸۰۰ عنوان کیفری مواجه هستیم، این میزان عنوان کیفری ۶ برابر کشور فرانسه است. در حالی که نرم کیفری ۵ تا ۶۰ عنوان است. دوم، روحیه کیفرمدار قضات است که لزوم استفاده از نهادهای عدالت ترمیمی را می‌طلبد، در حالی که در نهادهای قضایی ما عدالت کیفری اجرا می‌شود. کثرت و شلوغی محاکم قضایی مورد دیگری است که باید به آن اشاره کرد. در صورتی که پرونده زیاد باشد قاضی به سمت رای کیفری زندان سوق پیدا می‌کند. نبودن بستر امکان اصلاحات در زندان در یک سیکل معیوب از دیگر عوامل ازدیاد جمعیت زندان است. مسئولیت اجتماعی افراد را باید پررنگ کرد تا آگاهی حقوقی مردم بالا برود و این در حالی است که آگاهی حقوقی مردم طبق آمار ۲ درصد است. این در حالی است که ۴۵ تا ۵۰ درصد مردم با قوه قضائیه در ارتباط هستند.

حسین پور: برای کاهش جمعیت کیفری، در یک سیکل پرونده‌ها باید زندان‌هایی را تعبیه کنیم و به نهاد خصوصی بسپاریم. مثل جرایم کم‌اهمیت که در برخی کشورها صورت می‌گیرد، یعنی برای اینکه درد با قاتل در یک زندان نباشد، هزینه زندان محصور خصوصی را بپردازند و در آنجا نگهداری شوند.

تفرشی: من اعتقاد دارم در نگارش قانون هم مشکل داریم، ما می‌توانیم برخی از قوانینی که منجر به برهم خوردن نظم عمومی می‌شود را از کیفری بودن خارج کنیم. در حال حاضر در قانون ما تعلیق اجرای مجازات پیش‌بینی شده است، اما همان قانون می‌گوید با جرم

عددی جدیدی که صورت گیرد، مجازات قبلی و مجازات جدید هر دو با هم باید اعمال شود. طبق تجربه شخصی‌ام می‌گویم که بسیاری از مردم حبس تعلیقی را اصلاً مجازات نمی‌دانند و با صدور چنین حکمی تلاش می‌کنند با فضا سازی جدید حکم دوم را علیه متهم بگیرند تا حکم حبس اولی هم در کنار مجازات دومی اجرا شود!

جامعه خود عامل جرم خواهد شد، در حال حاضر هم تنها عامل ترس‌آور از بین مجازات‌های مختلف که غیرسالب حیات هستند، زندان بیشترین جنبه ترس و بازدارندگی را دارد.

پور: این یعنی دغدغه کاهش آمار زندانیان به صورت سیستماتیک وجود ندارد؟!

حسین پور: ما تورم تقنینی داریم، یعنی تاحدی جرم پشت جرم تعریف شده است و در چنین وضعیتی خود قانونگذار هم قادر نیست برای کاهش جمعیت کیفری قدمی بردارد.

پور: چگونه می‌توان از تکثر قوانین کاست؟

حسین پور: نهاد‌های مختلف مثل شورای حل اختلاف ایجاد شود تا

مجازات حبس صادر نشود و افراد را راهی زندان نکنند. هر چند شورای حل اختلاف به جای حل موضوع، در مواردی شورای ایجاد اختلاف شده است چون مراجعین به شورا بعضاً و به دلایلی ناراضی از شورا خارج می‌شوند؛ قاضی شورای حل اختلاف هم در مواردی در کسوت ماشین امضا عمل می‌کند. **تفرشی:** در بسیاری از مواقع نیاز به سختگیری قانون وجود ندارد. مثلاً در بحث چک در یکسری موارد ضمانت اجرای کیفری وجود دارد و این در حالی است که مردم ضمانت حقوقی را قبول ندارند و به کرات مردم دروغ می‌گویند تا چک جنبه کیفری پیدا کند و صادرکننده چک بلامحل زندانی نشود یا در بحث بزه ترک انفاق امکان برداشتن حبس وجود دارد، چرا که آثار و تبعات خوبی را دربر ندارد. وقتی یک زن همسر خود را بابت ترک انفاق راهی زندان می‌کند، ما علاوه بر این پرونده، خواسته یا ناخواسته به آمار طلاق هم افزوده‌ایم.

پور: با حذف مجازات حبس اصلاح و تنبیه مجرم چگونه صورت خواهد گرفت؟ یعنی چگونه می‌توان مردم را برای اجرای عدالت علیه یک مجرم و متهم توجیه کرد تا به راهی جز اجرای حبس قانع شوند؟!

تفرشی: دولت می‌تواند به برخی موارد خاص مثل جایی که متهمان نیازمند مالی هستند، ورود کند. به طور مثال در برخی موارد برخی آقایان از عمد ترک انفاق می‌کنند اما در بسیاری موارد مرد معسر است، لذا از طریق کمک دولت می‌توان به کاهش بخشی از این جرایم کیفری کمک کرد.

پور: در اصل اگر ما دو هدف برای مجازات تعریف کنیم، یعنی ستاندن حق جامعه و بازدارندگی سایر مجرمان، با گرفتن حبس از مجازات، قدرت بازدارندگی گرفته خواهد شد. اما پیرو صحبت آقای حسین پور که حذف مجازات حبس در تحلیل نهایی موجب ازدیاد جرایم می‌شود، آیا تضمینی در این خصوص و برای جلوگیری از این مفسده وجود دارد؟



کرمی: ما همچنان در قانون رنگ و بوی عدالت کیفری را می‌بینیم، نه عدالت ترمیمی! برخی قضات با تجربه حتی در کارنامه کاری خود یک رای تعلیقی ندارند و صدور احکام جایگزین حبس را رای فانتزی می‌دانند و قضات صدور چنین آرای را قضات فانتزی خطاب می‌کنند

کرمی: در قانون ابزارهای کاهش آمار زندانیان مثل تعلیق و آزادی‌های مشروط، دستبند و پابند الکترونیک و خدمات عام‌المنفعه... بر دیده شده و این یک گام رو به جلو است، اما قاضی در مسند قضاوت مأمور اجرای قانون است و این دید کیفرمدار را قبل از قاضی، نمایندگان مجلس داشتند که جایگزین‌های حبس وارد قانون نشده است. به طور مثال وقتی تعلیق برای جرایم درجه ۶ تا ۸ در نظر گرفته می‌شود، قاضی نمی‌تواند بیش از این پیش رود. افزون بر این در بسیاری موارد ابزار لازم برای اجرای حکم جایگزین حبس وجود ندارد، مثل خدمات عام‌المنفعه که در بسیاری موارد ارگان‌ها از پذیرش مجرم برای چنین مجازاتی سر باز می‌زنند.

ما همچنان در قانون رنگ و بسوی عدالت کیفری را می‌بینیم، نه عدالت ترمیمی! برخی قضات باتجربه حتی در کارنامه کاری خود یک رای تعلیقی ندارند و صدور احکام جایگزین حبس را رای فانتزی می‌دانند و قضات صدور چنین آرای را قضات فانتزی خطاب می‌کنند.

پور: به نظر می‌رسد تفاهمی بر سر مفهوم «کاهش جمعیت کیفری» وجود ندارد؛ این مفهوم از نظر شما چه معنایی دارد؟

حسین پور: منظور از کاهش جرایم کیفری یعنی چه کنیم که آمار زندانیان کم شود. با چنین تعریف و نگاهی که بیشتر مکان‌محور است تا مجرم‌محور، افزایش محیط و تعداد زندان‌ها منجر به همین نتایج تعریف کاهش جمعیت کیفری می‌شود.

برای بررسی نرم جهانی زندانیان، بر اساس هر ۱۰۰ هزار جمعیت چند زندانی داریم؟! در کشورهای اروپایی ۲۰ تا ۵۰ نفر است اما در کشور ما به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۳۲۰ زندانی داریم، یعنی سه برابر نرم جهانی! رئیس سابق قوه قضائیه بخشنامه‌ای ابلاغ کردند تحت عنوان کاهش جمعیت کیفری که به نظر من این موضوع نمی‌تواند راهگشای جدی در موضوعات کیفری کشورمان باشد. برداشتن ترس از جرم در

برخی مواد قانونی است. **تفرشی:** بنده هم موافق کاهش جمعیت کیفری هستم اما در آغاز علل بالا رفتن جمعیت کیفری را باید پیدا کنیم و بعد به دنبال راهکار باشیم. ابتدا باید

سطح آموزش و اعتقادات مردم را بالا ببریم تا پرونده‌ها در این حجم از اصل شکل نگیرد. مشکلات اقتصادی یکی از دلایل سرریز شدن پرونده‌ها به محاکم قضایی است. در دو سال اخیر آمار پرونده‌ها بالا رفته است. به طور نمونه تنها در یکی از دادگستری‌های استان البرز، ۱۷۰۰ پرونده نسبت به سال قبل اضافه شده که اکثر آنها اقتصادی است. حالا بعد از اصلاح مشکلات کلان، به راهکارهای کاهش جمعیت کیفری که یکی از آنها جایگزین حبس بوده، بپردازیم. مردم حتی از حقوق خود آگاهی ندارند. یکی از راهکارهای سازنده، استفاده از مشاوره‌های حقوقی و کلای دادگستری در زندان‌ها است تا مردم از حقوق‌شان مطلع شوند و از سایر موارد جایگزین حبس همچون آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات حبس استفاده کنند.

کرمی: در قانون ابزارهای کاهش آمار زندانیان مثل تعلیق و آزادی‌های مشروط، دستبند و پابند الکترونیک و خدمات عام‌المنفعه... بر دیده شده و این یک گام رو به جلو است، اما قاضی در مسند قضاوت مأمور اجرای قانون است و این دید کیفرمدار را قبل از قاضی، نمایندگان مجلس داشتند که جایگزین‌های حبس وارد قانون نشده است. به طور مثال وقتی تعلیق برای جرایم درجه ۶ تا ۸ در نظر گرفته می‌شود، قاضی نمی‌تواند بیش از این پیش رود. افزون بر این در بسیاری موارد ابزار لازم برای اجرای حکم جایگزین حبس وجود ندارد، مثل خدمات عام‌المنفعه که در بسیاری موارد ارگان‌ها از پذیرش مجرم برای چنین مجازاتی سر باز می‌زنند.

ما همچنان در قانون رنگ و بسوی عدالت کیفری را می‌بینیم، نه عدالت ترمیمی! برخی قضات باتجربه حتی در کارنامه کاری خود یک رای تعلیقی ندارند و صدور احکام جایگزین حبس را رای فانتزی می‌دانند و قضات صدور چنین آرای را قضات فانتزی خطاب می‌کنند.

پور: به نظر می‌رسد تفاهمی بر سر مفهوم «کاهش جمعیت کیفری» وجود ندارد؛ این مفهوم از نظر شما چه معنایی دارد؟

حسین پور: منظور از کاهش جرایم کیفری یعنی چه کنیم که آمار زندانیان کم شود. با چنین تعریف و نگاهی که بیشتر مکان‌محور است تا مجرم‌محور، افزایش محیط و تعداد زندان‌ها منجر به همین نتایج تعریف کاهش جمعیت کیفری می‌شود.

برای بررسی نرم جهانی زندانیان، بر اساس هر ۱۰۰ هزار جمعیت چند زندانی داریم؟! در کشورهای اروپایی ۲۰ تا ۵۰ نفر است اما در کشور ما به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۳۲۰ زندانی داریم، یعنی سه برابر نرم جهانی! رئیس سابق قوه قضائیه بخشنامه‌ای ابلاغ کردند تحت عنوان کاهش جمعیت کیفری که به نظر من این موضوع نمی‌تواند راهگشای جدی در موضوعات کیفری کشورمان باشد. برداشتن ترس از جرم در

قضات ما حبس‌گرا هستند، این گونه نیست؟!

حسین پور: درست است، تنها راه و وسیله برای قضات حبس است و سایر موارد جایگزین حبس پیش‌بینی در قانون عملاً قابلیت اجرایی ندارد. به طور مثال، ما تعلیق مراقبتی و پابند الکترونیک را داریم اما در عمل در کشور ما اجرا نمی‌شود، مثلاً سازمان زندان‌ها حدود ۱۵۰ پابند به دادگستری استان البرز داده است اما به دلیل اینکه قضات حبس‌محور هستند، تنها سه قاضی در رای خود از پابند الکترونیک استفاده کردند یا به عنوان یک نمونه دیگر، پرونده‌ای که در اجرای احکام با تعلیق مراقبتی مواجه شود، پیش‌بینی‌های زیرساختی و قانونی برای اجرای تعلیق مراقبتی دیده نشده است. کم‌هزینه‌ترین و جامع‌پذیرترین مجازات حبس است و حتی ارباب رجوع هم در مراجعه به دادگاه درخواست حبس دارند یعنی خود شکات پیگیر حبس هستند.

تفرشی: در بحث اجرای مجازات به لحاظ فرهنگی مشکل داریم یعنی فرهنگ جامعه ما این گونه جا افتاده که اگر مجازات حبس اجرا نشود، بی‌عدالتی شده است. به طور مثال در بزه توهین در قانون هم شلاق و هم جزای نقدی است اما اگر به شاکی گفته شود در نهایت فرد توهین‌کننده به جزای نقدی محکوم خواهد شد، شاکی اصلاً پیگیری نمی‌کند. یعنی از نظر مردم زمانی می‌گوییم مجرم یا متهم مجازات شد که منتهی به حبس شود. این مشکل فرهنگی است.

کرمی: روحیه قضات در طول زمان حبس‌محور شده است و این گونه نبوده که از ابتدا کیفر بر مدار زندان باشد. مهم‌ترین علت هم به نظر من کثرت و شلوغی پرونده‌ها در محاکم قضایی و دادسرا است. قاضی تحقیر در ماه میانه‌سین ۱۸۰ تا ۲۰۰ پرونده را در دادسرا رسیدگی و تعیین تکلیف می‌کند، لذا ملموس‌ترین ابزار کیفری برای یک قاضی زندان است. در برخی محاکم قضایی در نقاط مختلف همین شهر تهران عملاً چیزی به نام پابند و دستبند الکترونیک وجود ندارد.

پور: آیا واقعاً عامل بازدارنده دیگری به غیر از حبس وجود ندارد؟!

تفرشی: قاضی نمی‌تواند بی‌تفاوت به نگاه عمومی جامعه باشد و این امر بسیار برای قاضی مهم است. در همین پرونده‌های اقتصادی ببینید نوع برخورد و صدور نهایی رای برای مردم مهم است، حالا این را تسری بدهید به تمام آرای قضایی که مردم چنین توفقی از نهاد قضایی دارند.

پور: فارغ از بحث فرهنگی و عملی، قانون ما ظرفیت صدور جایگزین حبس دارد یا قانون هم در این زمینه دارای نقص است؟

حسین پور: اصلاح قانون یکی از همین موارد است. چهار جرم اول کشور هیچ کدام مشمول نهادهای تشخیصی نمی‌شود و یکی از موارد ابلاغ شده از سوی رئیس قوه برای کاهش جمعیت کیفری همین اصلاح

غلبه عدالت کیفری

بر عدالت ترمیمی

مانع صدور جایگزین حبس است

میزگرد حقوقی «جوان» با ۳ قاضی

پیرامون کاهش جمعیت کیفری نتایج جالبی را به دنبال داشت

میزگرد نیره ساری

«با تورم جمعیت کیفری روبه‌رو هستیم» این جمله اخیر اصغر جهانگیر رئیس سازمان زندان‌هاست. وی اعتقاد دارد برخی قوانین موجب افزایش زندانیان می‌شود که باید مورد بازنگری قرار گیرد. وی در همین راستا به لویایح معطل مانده در مجلس اشاره کرده می‌گوید: بخشی از این لویایح به مقوله حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری کمک می‌کند. تأکید این مسئول قضایی در کسوت ریاست سازمان زندان‌ها به این امر در حالی است که در حال حاضر طبق بخشنامه ۳۳ ماده‌ای ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها در سال‌های قبل، مجازات‌های جایگزین حبس و راهکارهای حبس‌زدایی مورد تأکید قرار گرفته است، اما به‌رغم تشویق قضات به این امر شاهد تحقق کم‌رنگ موارد حبس‌زدایی در صدور آرای قضایی هستیم. با سه‌نفر از قضات جوان دادگستری به مذاکره نشستیم تا ببینیم تمکین از اصل برائت به چه میزان در گام نخست بازداشت یک مجرم رعایت می‌شود و آیا اساساً اراده، سلیقه و اختیار قضات در هدایت یک مجرم به زندانی تأثیرگذار است یا خیر؟! این قضات جوان معتقد هستند فرهنگ عمومی مردم برای اجرای عدالت از طریق اعمال مجازات زندان، دست‌قضات را ایسته است. عامه مردم اصلاح و تنبیه یک مجرم را تنها از طریق زندان می‌دانند و

